

ص ۱

۱۶۰۶ (از هم زیبا تر است)

۱۶۰۶ (از هم زیبا تر است)

دیر نیست که دنیا هم جنگ است و جود است

در همه عالم بدل یا رفد است

فرموده مرا بار در گره حضرت استاد

استاد عمریزی که سخندان است

(ما را وی بیدار ز ما نسیم فرمینیم)

بیدار گر آن آینه که در این دوره است

از «قاره ظلم» و از آن بهر وطن است

زان زور مدار که بچ اندوس و کز است

الهدایه فرشته، از عمر خوشنام

در ریشه اسما را و فریاد مضار

حکایت

پرواز صحرای است بیاد و جگریم

آن کس سپری که بلند از رهش است

آن کس که گزیده آرزو و احسان

آنجا که لبست پند و عیش خدا است

جانی که همی در سر سیاره نشین است

بیگانه در کس باره باران است

ماء عیون صلیم و صفائیم و سرور

عشق تو و «ایران» چه در نغمه سر است

ایران قریب با تملق «ایران»

۲۳ / ۲ / ۱۵: تهران